تأثیر تبویب احادیث در منابع اولیه و ثانویه، در افتاء

آن چه که میخواهم عرض کنم این است: شما باید یک رسم خیلی خوبی در خودتان قرار دهید؛ این خیلی خوب است. من چون نکردم عرض میکنم. وقتی میخواهید یک بحث فقهی را تحقیق کنید اول متن کتب مجامع روائی اولیه را ببینید. ابتدا به ساکن نیایید وسائل را نگاه کنید. غیر از اینکه وسائل روایت را تقطیع میکند اصلاً خود تبویب ایشان و اینکه روایات را از کتب دیگر برمیدارد و طبق فتوای خودش تبویب و تصنیف میکند، یک جور اطلس ذهنی مصنف را بازتاب میدهد. نوعاً تصنیفات بین سی تا هفتاد و هشتاد درصد بازتابدهنده اطلس ذهنی مؤلف است. لذا اگر میخواهید در شروع کارتان ذهنتان رنگ نگیرد اول خود کافی را بخوانید.

ببینید مرحوم کلینی در یک باب ده روایت را جمع میکردند. این ده تا دارد یک ذهنیتی از مرحوم کلینی را به شما افاده میکند. مرحوم صاحب وسائل این کار را نکردهاند. این ده روایتی که مرحوم کلینی در یک باب آوردهاند، ممکن است که در هفت-هشت جا پخش کرده باشند. لذا اول تاریخ خود علم را ببینید. یکی از آنها همینجا است. مرحوم کلینی در کافی –خیلی جالب است- در همین بابی که دارند روایات را پشت سر هم میآورند. اول تا آخر را میآورند. متعدد و مفصل هم هست. جالب این است که آن چه که آلآن فتوای مشهور است به این صورت است که اگر سوم الشک را به نیت ماه مبارک روزه گرفت، نه عمداً بلکه جهالتاً؛ خیلی از مردم اینچنین هستند، میگوید فردا سوم الشک است لذا به نیت ماه مبارک روزه میگیرم؛ چون بدون توجه است قصد قربت هم از آن متمشی میشود، خب این باطل است یا نه؟ شما میگویید باطل است.

دلیل این بطلان روایتی است که تنها در تهذیب است. یعنی وقتی در کافی شریف روایات سوم الشک را میبینید اصلاً این ذهنیتی که ایشان میگویند را عوض میکند. خب اول شما کافی را بخوانید. اول پنج-شش صفحه اول کافی را مرور کنید. مرحوم کلینی در جمعآوری روایات کافی، در باب سوم الشک و سوم رؤیت، چه روایتی را در کنار هم آوردهاند؟ اصلاً یک ذهنیتی به شما میدهد که خیلی عالی است. همان که عرض کردم است، یک نحو مجاورتانسی است. اطلس ذهنی مرحوم کلینی مهم است که چه کار کردهاند. روایت بطلان صوم سوم الشک اصلاً در کافی نیامده است. و حال آنکه مشهور میگوید بهخاطر روایتی که در تهذیب است، باطل است.

یعنی مرحوم کلینی این روایت را نیاوردهاند. خب مقابل آن چیست؟ مقابلش عجائب است. گویا حضرت به او یاد میدهند که تردید در نیت و منویّ بگذار؛ بعداً عبارت عروه و مستمسک را میخوانیم. مرحوم سید هم چهار جور کردهاند. میگویند صوم سوم الشک چهار جور متصور است. مرحوم سید میگویند یکی از آنها صحیح است. دو تا از آنها را میگویند «اقوی بطلانه»، نسبت به چهارمی هم میگویند «اقوی صحته». نوعاً هم این چهارمی مخالف ندارد. من که نگاه میکردم حتی یک

فتوای مخالف ندیدم. در همان چهارمی سید احتیاط بود اما فتوا نبود.

قبلاً عرض کرده بودم عروه پنجاه حاشیه را مؤسسه سبطین چاپ کرده است. خوب است که آدم مراجعه کند. من که مراجعه کردم نمیدانم حتی یک فتوا ندیدم یا ندیدم. دوباره یادم رفت.

شاگرد: در جامع فقه ۳ هست.

استاد: به نظرم پانزده جلد است.

در اینجا مرحوم سید چهار صورت میکنند. خود ایشان در چهارمی میگویند اقوی صحته. اگر به آن چهار صورت برسید میبینید. باید مقدماتی فراهم شود تا به آن جا برسیم. لذا عرض من این بود که رسمتان شود که کتابها و مجامع روائی اولیه –تهذیب، استبصار و...- را ببینید. وقتی میخواهید بحثی را شروع کنید اول بروید خود کافی و آن باب را مرور کنید، آن هم همه روایات آن را؛ نه یکی را. ببینید مرحوم کلینی از این روایات چه دیدی داشته که همه اینها را تحت یک باب جمع کردهاند. آشنا شدن با ذهنیت مرحوم کلینی چیز کمی نیست. آشنا شدن با فضای بحث و کار است. پارسال هم خدمت شما عرض کردم. گفتم مرحوم کلینی در باب رؤیت، کنار روایات رؤیت -که ما میگوییم الآن اساس همه چیز شده- روایاتی که اصلاً با رؤیت سازگار نبوده اند را آورده است. یعنی در یک باب همه اینها را در کنار هم بهعنوان روایت میآوردند. نمیگوییم ایشان میخواستند...؛ نمیخواهم بگویم روایات تنها این را میگوید؛ یعنی روایات کنار آن کاملاً مسکوت شود. وقتی تبدیل میکنیم این جور میشود. اینها را میآوریم اما روایاتی که در کنار اینها در کافی آمده مسکوت میشود. اصلاً میبینید به گوش کسی که این بحثها را خوانده نخورده!

بازبینی #1
ایجاد شده 9 ژوئن 2026 14:37:52 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 ژوئن 2026 14:40:45 توسط ... .